قتل موتورسوار خلافکار با کلاشینکف!

سجادپور- موتورسواری که دارای سوابق شرارت و درگیری مسلحانه بود، با شلیک گلوله در مشهد به قتل رسید. به گزارش خراسان، حدود ساعت ۲۲ شب پنج شنبه گذشته در حالی که قاضی ویژه قتل عمد مشهد مشغول تحقیق گسترده درباره ماجرای آتش سوزی عمدی در مرکز ترک اعتیاد «امیدآزادی» بود، خبر وقوع جنایتی مسلحانه در ابتدای جاده فریمان، او را به شهرک طرق مشهد کشاند. بررسی های مقدماتی قاضی دکتر حسن زرقانی نشان داد موتورسواری به نام «ع-س» از پشت سر و از فاصله حدود ۱۰ متری هدف گلوله جنگی قرار گرفته و به قتل رسیده و گلوله دیگری نیز دست چپ او را شکافته است. ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که مقتول سوابق شرارت و درگیری های مسلحانه دارد. گزارش خراسان حاکی است: تلاش گسترده کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت هولناک در حالی ادامه یافت که پوکه های کشف شده از محل قتل، نشان می دهد گلوله ها از سلاح کلاشینکف شلیک شده است.

اعترافات معتادانی که مرکز ترک اعتیاد را به آتش کشیدند

شورش مرگبار برای فرار!

سیدخلیل سجادپور- فریادهای دلخراش معتادانی که میان دود و آتش گرفتار شده بودند، هر لحظه بیشتر شدت می گرفت. آن ها در سالن شماره یک مرکز ترک اعتیاد امیدآزادی، خود را به در و دیوار می کوبیدند تا در ها را بگشایند و راه گریزی پیدا کنند. شعله های آتش زبانه می کشید و جیغ های وحشتناک سوختم! سوختم! به هوا برمی خاست. دود غلیظ آسایشگاه ۱۶۰ تختخوابی را فراگرفته بود و هر کدام از معتادان برای فرار از زبانه های ترسناک آتش، تلاش می کردند. یکی از مدیران مرکز که با دیدن این وضعیت، سراسیمه خود را به محوطه هواخوری رسانده بود با پلیس و نیروهای امدادی تماس گرفت. در حالی که شرایط درون آسایشگاه هر لحظه وخیم تر می شد و احتمال فاجعه ای هولناک وجود داشت، نیروهای گشت انتظامی به محل رسیدند آنان با مشاهده در های بسته آسایشگاه، بی درنگ مراتب را به قاضی طباطبایی (جانشین معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) اطلاع دادند و این شرایط وحشتناک را باز گو کردند. قاضی طباطبایی که به حساسیت حادثه در حال وقوع پی برده بود، در حالی دستور شکستن قفل ها و بازگشایی در آسایشگاه را صادر کرد که خود نیز بلافاصله عازم محل حادثه در روستای دستگردان شد با آن که این دستور قضایی از یک فاجعه هولناک در این مرکز جلوگیری کرد اما شدت آتش سوزی به حدی بود که تعدادی از معتادان بستری دچار سوختگی و مسمومیت با دود های سمی شدند. در همین حال نیروهای امدادی نیز به یاری گرفتاران در دود و آتش آمدند و از سوی دیگر فرار معتادان از در و دیوار محوطه و احتمال وقوع آتش سوزی عمدی، موجب شد تا همه نیروهای کلانتری شهید باهنر به فرماندهی سرگرد مهدی کرامتی (رئیس کلانتری) در حالت آماده باش قرار گیرند. دقایقی بعد یگان امداد و نیروهای بسیج ناحیه ۱۰ مسلم نیز به کمک حادثه دیدگان شتافتند و امدادگران اورژانس هم با آمبولانس های اتوبوسی ۲۴ تن از مصدومان را به مرکز درمانی انتقال دادند اما در این میان ناگهان جسد مرد ۴۵ ساله ای در میان دود های غلیظ نمایان شد و بدین ترتیب این حادثه وحشتناک رنگ جنایی به خود گرفت. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، جانشین معاون دادستان مرکز خراسان رضوی که همچنان مدیریت اوضاع را به عهده داشت و هر لحظه دستورات ویژه ای را برای جلوگیری از بروز یک فاجعه تلخ صادر می کرد، در تماس تلفنی با قاضی ویژه قتل عمد مشهد، ماجرای آتش سوزی مشکوک در مرکز ترک اعتیاد را به وی اطلاع داد و بدین ترتیب قاضی دکتر حسن زرقانی نیز برای بررسی و انجام تحقیقات جنایی، شبانه عازم روستای دستگردان شد. اوضاع به هم ریخته و آشفته بود. سقف آسایشگاه و همه تخت ها و لوازم در آتش سوخته بود. بوی تند دود های سمی مشام ها را آزار می داد. با نظارت مقام قضایی، معتادان بستری در این مرکز به مکان های دیگر انتقال یافتند اما هنوز تحقیقات جنایی در لحظات آغازین خود قرار داشت که خبر مرگ ۲ تن دیگر از مصدومان در بیمارستان، روند بررسی های جنایی را دگرگون کرد. قاضی زرقانی که دیگر تحقیقات میدانی را با جدیت خاصی شروع کرده بود ابتدا به بازبینی دوربین های مداربسته پرداخت اما سیاه شدن ناگهانی تصویر، بیانگر آن بود که آتش سوزی با طرح و نقشه و به صورت عمدی رخ داده است به همین دلیل شیوه تحقیقات تغییر کرد و مقام قضایی در حالی که دستور دستگیری معتادان فراری را به نیروهای کلانتری می داد، وارد آسایشگاه شماره یک شد و در تاریکی شب به تحقیق ادامه داد. شکسته شدن یکی از دوربین های مداربسته از یک شورش داخل آسایشگاه حکایت داشت فردی قد کوتاه با پیراهن قرمز و با میله ای فلزی دوربین را از کار انداخته بود. این جوان ۲۴ ساله بلافاصله شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفت. بررسی کانون های آتش نیز بیانگر آن بود که تخت های آسایشگاه در ۲ نقطه شعله ور شده است بنابراین به دستور قاضی ویژه قتل عمد، کارشناسان آتش نشانی، به تحقیق در این باره پرداختند. از سوی دیگر تا سپیده صبح، ماموران انتظامی تعداد زیادی از افراد فراری را دستگیر و به کلانتری هدایت کردند. با وجود این و در حالی که بازجویی های تخصصی توسط گروه ویژه ای از کارآگاهان اداره جنایی به سرپرستی سرهنگ نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) از متهم ۲۴ ساله در حضور قاضی زرقانی به صبح روز بعد کشید، سرنخ هایی از یک «شورش مرگبار برای فرار» به دست آمد و دوباره تحقیقات به محل وقوع جنایت رسید. «ابوالقاسم» (متهم دستگیر شده) از نقش ۲ معتاد دیگر برای به آتش کشیدن آسایشگاه پرده برداشت و گفت: قرار بود نزاعی ساختگی و شورش گونه را شروع کنیم تا زمانی که در های آسایشگاه برای بررسی موضوع باز شود و همه با هم از این جا فرار کنیم اما یاسر و وحید نقش اصلی در آتش زدن سالن شماره یک را داشتند. به گزارش خراسان، دقایقی بعد و با دستور محرمانه قاضی دکتر زرقانی، دو متهم ۲۵ و ۲۷ ساله نیز دستگیر شدند و از این جنایت وحشتناک را فاش کردند. «ابوالقاسم» در ادامه اعترافاتش گفت: وحید سرش را خون آلود کرد و ما هم با شکستن در سرویس های بهداشتی و برداشتن میله ها به طرف در آسایشگاه حمله ور شدیم که در همین هنگام من با یکی از آن میله ها، ابتدا دوربین مداربسته را از کار انداختم! گزارش خراسان حاکی است، در حالی که سوالات فنی و پیچیده مقام قضایی دو متهم دیگر را وادار به بیان حقیقت ماجرا کرده بود، «یاسر» (متهم ۲۵ ساله) که از یک ماه قبل در مرکز ترک اعتیاد اجباری امیدآزادی نگهداری می شد درباره این ماجرا گفت: من فندک وحید را گرفتم که پتو را آتش بزنم ولی نمی توانستم آن را روشن کنم به همین دلیل «وحید» خودش آن را روشن کرد من هم پتو را آتش زدم. سپس دو نفری با وحید پتو را روی تخت دیگری انداختیم که آن جا هم شعله ور شد و سپس به طرف در هجوم بردیم و...

متهمان در حال تشریح صحنه جنایت - عکس: خراسان

بنابر گزارش خراسان، تحقیقات بیشتر درباره این ماجرای هولناک همچنان ادامه دارد و قاضی ویژه قتل عمد دستورات خاصی را برای شناسایی دیگر مقصران و ریشه یابی حادثه صادر کرده است.

در امتداد تاریکی

سرگذشت زنی در پاتوق خلافکاران!

روزی که در یک مهمانی مختلط و برای اولین بار لب به مشروبات الکلی زدم هیچ گاه فکر نمی کردم که روزی به یک زن دایم الخمر تبدیل شوم و جوانی ام را به نابودی بکشانم در حالی که...

زن ۲۴ ساله ای که در یکی از پاتوق های خلافکاران و در عملیات نیروهای کلانتری سپاد مشهد دستگیر شده است با بیان این که اشتباه در تصمیم گیری های مهم زندگی مرا به روز سیاه نشاند درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: وقتی به ۱۷ سالگی رسیدم خواستگاران زیادی داشتم پدرم نیز در یکی از بیمارستان های مشهد کار می کرد به همین دلیل همواره مورد توجه بستگانم قرار می گرفتم در همین روز ها پسر یکی از آشنایان پدرم از من خواستگاری کرد. سکوت من در برابر این خواستگاری نشانه رضایت تلقی شد و بدین ترتیب من و «جعفر» پای سفره عقد نشستیم چرا که پدر و مادرم فکر می کردند من به ازدواج با او تمایل دارم ولی هنوز یک سال بیشتر از ازدواجمان نمی گذشت که از او طلاق گرفتم. من و جعفر هیچ تناسب اخلاقی و رفتاری نداشتیم و همواره روزگارمان در مشاجره و جنگ و جدل می گذشت. خلاصه در حالی که از این ماجرا سرخورده شده بودم معاشرتم را با برخی از دوستانم بیشتر کردم و به رفت و آمد با آن ها ادامه دادم. در میان دوستانم که بیشتر آن ها نیز مطلقه بودند با «نسیم» ارتباط صمیمانه تری داشتم و به همراه او در پارتی ها و مهمانی های مختلط شرکت می کردم. اگر چه با پسران و مردان دیگری نیز در این گونه پارتی ها آشنا شده بودم اما هیچ گاه به ازدواج نمی اندیشیدم و نمی توانستم به مردان اعتماد کنم چرا که همه آن ها به قصد سوءاستفاده و هوسرانی سعی داشتند با من و دوستانم ارتباط برقرار کنند. خلاصه در یکی از همین مهمانی ها بود که برای اولین بار و به پیشنهاد نسیم مشروبات الکلی مصرف کردم تا به قول او به آرامش روحی برسم ولی از آن روز به بعد خودم به نوشیدن مشروبات الکلی ادامه دادم در حالی که ۱۸ سال بیشتر نداشتم خودم را توجیه می کردم که استفاده از مشروبات الکلی به اعصابم آرامش می دهد طولی نکشید که به یک معتاد دایم الخمر تبدیل شدم. طوری که دیگر از عهده خرید مشروبات معروف به عرق سگی برنمی آمدم و آن را مانند آب مصرف می کردم پدرم تلاش کرد مرا از این کار باز دارد ولی فایده ای نداشت برای تامین هزینه های خلافکاری هایم در یک آرایشگاه مشغول به کار شدم ولی مدتی بعد دیگر توان کار هم نداشتم چرا که با ندانم کاری هایم اعتیاد به شراب زندگی ام را به نابودی کشانده بود آرام آرام وارد پاتوق های خلافکاران شدم و خانواده ام نیز مرا طرد کردند. از سوی دیگر «نسیم» که مرا به مصرف مشروبات الکلی ترغیب کرده بود خودش فقط در مهمانی ها مشروب می نوشید و دیگران را به این کار تشویق می کرد. خلاصه کارم به جایی رسید که مجبور بودم برای رفتن به پاتوق های خلافکاران با برخی از معتادان به مواد مخدر ارتباط برقرار کنم تا بتوانم به این مکان ها برای مصرف مشروبات الکلی رفت و آمد کنم. امروز هم به پاتوق پیرزنی در منطقه اطراف بولوار توس رفته بودم که به همراه چند معتاد مواد مخدر دستگیر شدم و باقی مانده مشروبات الکلی ام نیز توسط پلیس کشف شد و...

شایان ذکر است به دستور سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) تلاش مددکاران اجتماعی برای نجات زن جوان از این مرداب هولناک آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

محصولی از سپهر کود رضوان
جادوی رشد گیاه
تمدید شد
رفع شوری خاک و آب کشاورزی، رفع آفات
و محرک رشد گیاه با کود گوگرد بنتونیت دار ۷۰-۳۰
۳۰٪ تخفیف (همراه کارت ملی) واقعی به مدت ۱۰ روز
تولید و توزیع انواع کود: پلیت مرغی • پلیت گاوی • پلیت گوسفندی
کود اکسیر کامل از مو • پودر زئولیت • دولومیت • بنتونیت
گوگرد • کربنات کلسیم • بستر حیوانات خانگی
۰۹۱۵ ۶۹ ۰۰ ۷۸۴
*۶۶۵۵*۶۹۰۰۷۸۴#
مشهد-سه راهی فردوسی-بین شاهنامه ۳۸ و ۳۶-نمایشگاه سپهر کود رضوان
۱۴۰۰۰۶۹۳۷/ب